

بررسی تطبیقی حقوق شهروندی در نهج البلاغه امیرالمؤمنین و تلمود در یهودیت

ایلناز علی نژاد^۱

^۱ دکترای فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه ارومیه، مربی گروه الهیات فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه پیام نور

نویسنده مسئول:

ایلناز علی نژاد

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۲۵-۱۹

چکیده

حقوق شهروندی در قرون اخیر از مباحث پر رونق و پرمناقشه حوزه حقوق و علوم سیاسی بوده است و در واقع حقوقی است که همه افراد ساکن در یک جامعه باید از آن بهره‌مند باشند. نهج البلاغه به عنوان یکی از کتب معتبر اسلامی و تلمود به عنوان ستون اصلی کتاب مقدس یهودیت در بخش‌هایی مفهوم حق را مورد توجه قرار داده‌اند. نهج البلاغه به عنوان یک متن دینی، حاوی پیام‌هایی است که در تحقق شرایط جامعه مبتنی بر اصول زندگی مدنی تأثیرگذار است و لذا می‌توان با ملاحظه برخی از بخش‌های آن، به مضامینی دست یافت که نشانگر اهمیت حقوق شهروندی در یک جامعه و در نتیجه در زندگی انسان‌ها است. و در مقابل، تلمود نیز به حقوق شهروندی انسانها در ابعاد مختلف پرداخته و به آن توصیه نموده است. لکن در این مقاله برآن هستیم تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی-مقایسه‌ای، حقوق شهروندی را در نهج البلاغه و تلمود مورد بررسی قرار داده و نشان دهیم که اولاً ریشه حقوق شهروندی به گذشته و کتب ادیان مختلف از جمله اسلام و یهودیت بر می‌گردد و ثانیاً این دو کتاب مهم که هر یک به نوعی به بحث رعایت حقوق شهروندی پرداخته‌اند، هر دو می‌توانند یک منبع مهم در جهت آشنایی با ابعاد گوناگون حقوق شهروندی و رعایت صحیح آن باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، نهج البلاغه، امیرالمؤمنین، تلمود، یهودیت

مقدمه

آیا حقوق شهروندی در همه ادیان از جمله اسلام و یهودیت مدنظر قرار گرفته شده است؟ آیا نگاه این دو دین به خصوص در دو کتاب مهم این ادیان نهج البلاغه و تلمود به حقوق شهروندی یکسان است؟

رکن اساسی آئین اسلام، و حقوق شهروندی آن که در تمامی عرصه ها اثر خود را می گذارد، اندیشه ناب و کامل توحید است. از دیدگاه اسلام، نه تنها خداوند متعال خالق هستی است (توحید در خالقیت) بلکه همو به تنهایی و بدون هیچ شریکی جهان را تدبیر می کند (توحید در ربوبیت تکوینی) و نیز قوانین حاکم بر شهروندان و جوامع بشری را وضع می کند (توحید در ربوبیت تشریعی) و شهروند مکلف است که تنها از دستورات و قوانین او اطاعت کند (توحید در عبودیت). تا بتواند شهروندی نمونه برای باری تعالی بوده و با عمل به حقوق شهروندی که از طرف شارع مقدس وضع شده سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین نماید.

مفهوم شهروندی یکی از دیرپاترین مفاهیم سیاسی- اجتماعی است که از دوران یونان باستان تاکنون مورد توجه شمار زیادی از اندیشمندان سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. و در کتب مقدس و معتبر ادیان گوناگون نیز البته نه دقیقاً با عنوان حقوق شهروندی به آن اشاره شده است. حقوق شهروندی در واقع، مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می شوند و نیز اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند. باید گفت که شاید طرح بحث شهروندی و حقوق شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه و نظرات حضرت علی (ع) به عنوان آگاه ترین شخصیت ها به اسلام بعد از پیامبر (ص) و نیز طرح آن از دیدگاه تلمود به عنوان یک کتاب معتبر از دین یهودیت به عنوان یکی از مهم ترین ادیان زنده جهان، بهترین شیوه در دست یابی به اهمیت و نحوه رعایت بهتر حقوق شهروندی انسان ها است. اهمیت نهج البلاغه بعنوان کتاب برجسته در اسلام و تلمود به عنوان ستون اصلی کتاب مقدس یهودیت، بر کسی پوشیده نیست. پیش از این به مبحث حقوق شهروندی در قرآن و نهج البلاغه به انحاء مختلف پرداخته شده است اما تا کنون حقوق شهروندی به صورت تطبیقی در نهج البلاغه و تلمود پرداخته نشده است. لذا در این مقاله سعی داریم برای پاسخ به پرسش مطروحه در بالا با ارائه تعریفی از حقوق شهروندی، حقوق شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه و تلمود را بررسی کرده و اهمیت این مسأله را در این دو کتاب و دو دین مهم نشان دهیم.

حقوق شهروندی

شهروند معادل «Citizen» است. ریشه آن واژه لاتینی «Civitas» می باشد. در فارسی، شهروند به تبعه، همشهری، هموطن، شارمند، شهرتاش و ... ترجمه شده است. (رضایی پور، ۱۳۸۹، ص ۱۰) شهروند در فرهنگ لغت دهخدا این گونه تعریف شده است؛ « اهل یک شهر یا یک کشور» و همچنین آمده است که پسوند «وند» در واژه شهروند در واقع «بند» بوده است یعنی شخصی که به شهری بند و متصل است. ولی به مرور زمان تبدیل به «وند» شده است. و «ی» موجود در شهروندی یای نسبت بوده است؛ یعنی هر چیز مربوط به شهروند (پروین، مجله پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۱۳۸۷، ش ۷۲).

حقوق شهروندی حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی به آنها اعطا شده است و مورد حمایت قانون اساسی قرار گرفته است. (آفنداک، ۵۱، ص ۱۳۸۵). در این تعریف، حقوق شهروندی شامل افراد مقیم که اقامه دریافت نموده اند نیز می شود. در تعریف حقوق شهروندی مؤلفه دیگری یعنی مسئولیت و تکالیف شهروند وجود دارد که جزو تعریف حقوق شهروندی است. تکلیف در لغت از ریشه کلف به معنای امر کردن به چیزی است که انجام آن دشوار باشد (طریحی، ۱۰۸۵، ص ۱۱۵) و در فقه عبارت است از خطاب شارع به انجام دادن یا ترک کاری یا تخیر بین آن دو و در اصطلاح شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۶۱۰). حقوق شهروندی در نزد شهروندان واقعی، ثابت و محفوظ است و یکی از ویژگی هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می گیرد. (جزوه حقوق شهروندی، لامعی، ۱۳۹۳)

نهج البلاغه

سید رضی در سن ۴۷ سالگی در اوج شهرت علمی و سیاسی خویش در سال ۴۰۶ چشم از جهان فرو بست. از میان آثار متعدد او کتاب نهج البلاغه اش شهرتی جهانی دارد، به گونه ای که از هنگام تألیف آن در قرن چهارم تاکنون به زبان های گوناگون برگردانیده شده و به اثری فناناپذیر مبدل گردیده است. سید رضی از میان گفتار و نوشتار بازمانده از حضرت علی (ع) که در میان کتب آن زمان پراکنده بود، قطعه هایی را که از نظر فصاحت و بلاغت ممتاز بوده برگزیده است؛ لذا اینک جای اندوه فراوان دارد که آنچه در این کتاب گران سنگ باقی مانده است تنها بخشی از سخنان حکیمانه امام (ع) است. این کتاب که در سال ۴۰۰ ق به پایان رسیده شامل ۲۳۷ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ سخن کوتاه است. نهج البلاغه از نظر عمق و محتوا و بلاغت به حدی است که آن را «اخ القرآن» (برادر قرآن) نامیده اند، برخی نیز آن را فروتر از قرآن و فراتر از کلام بشری دانسته اند. این کتاب را می توان عالی ترین تفسیر بر قرآن کریم نیز دانست. (شهرستانی، ۱۳۵۹، ص ۶۹-۷۲) سخنان امام علی (ع) در فاصله قرن اول تا سوم در کتب تاریخ و حدیث به صورت پراکنده وجود داشت. سید رضی در اواخر قرن سوم به گردآوری نهج البلاغه پرداخت و اکنون بالغ بر هزار سال از عمر این کتاب شریف می گذرد. هرچند پیش از وی نیز افراد دیگری در گردآوری سخنان امام علی (ع) تلاشهایی به عمل آوردند، اما کار سید رضی به خاطر ویژگی هایی که داشت درخشید و ماندگار شد، چون سید رضی دست به گزینش زده بود. (محسنی کبیر، ۱۳۷۴، ص ۴۴)

تلمود

اگر کتاب مقدس شالوده یهودیت باشد، تلمود ستونی است که از فراز بنیادها سر برآورده و عمارت معنوی و عقلانی این دین را تقویت می کند. تلمود خلاصه ای از شریعت شفاهی است که طی قرن ها تلاش عالمان فلسطین و بابل به بارنشسته است؛ مجموعه ای از قوانین، اسطوره ها، فلسفه و آمیزه ای از منطق یگانه و عمل گرایی ناب، تاریخ، دانش، حکایات و فکاهی، جنگی از مطالب ضد و نقیض امامداری چارچوبی منظم و منطقی است. تلمود تجسم مفهوم بلند میصوا تلمود تورا، یعنی تکلیف شرعی یادگیری و مطالعه تورات، دانش اندوزی و خردورزی است. تلمود در بیشتر موضوعات یعنی هلاخاها، آیات تورات، احادیث و سنت عالمان نگاهی عینی و واقعی دارد.

از آن جایی که تلمود اثری متجانس و یکدست نیست و نویسنده واحدی آن رانوشته است، مباحث و موضوعات پراکنده و متنوعی در آن طرح شده اند که بیانگر طیف وسیعی از علایق است. تلمود نتیجه و حاصل تقریر اندیشه ها و بیانات تعداد زیادی از عالمان در یک دوره طولانی است، گفته ها و نظراتی که ملهم از زندگی و واقعیات آن است. (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳، ص ۲۱-۲۹)

حقوق شهروندی در نهج البلاغه

امیر مؤمنان چهار هدف و غایت عمده از شهروندی را مد نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه سازی رشد و تعالی شهروندان. (عربی فر، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹)

- آزادی

حق حیات، حق آزادی و مساوات از جمله حقوق قابل استخراج از نهج البلاغه می باشند. حق حیات زیر مجموعه حقوق عمومی است که بیشتر در برابر قدرت دولت ها به آن استناد می شود، گرچه در روابط خصوصی نیز قابل اجراست؛ یعنی هر کس باید به حیات دیگران احترام بگذارد. نهج البلاغه در زمینه حق حیات، از ریختن خون به ناحق بر حذر می دارد. امیرالمومنین در فرمان خود به مالک اشتر، او را موكداً به اجتناب از آن سفارش می کنند. به مصداق ملاحظه انواع احکام و قضاوت ها درباره ديه، قصاص و غيره، قواعد حقوقی براساس احترام به حق حیات تنظیم شده اند.

- عدالت و احترام به انسان

واژه «عدل» در فرهنگ اسلامی گستره معنا و کاربردی وسیع دارد و می تواند مفهوم مساوات را نیز دربرگیرد. امیرالمومنین عدل را با معانی گوناگون تعریف می کند، به عنوان مثال، قوی ترین بنیان (رسولی محلاتی، ۱۳۹۲، حدیث ۱۸۷۳)، میزان الهی (همان، ح: ۳۴۶۴)، بنیاد زندگی مردم (همان، ح: ۱۹۵۴)، زیبایی کار حکمرانان (همان)، پرده دولت ها (همان، ح: ۱۸۷۳) و ... همچنین با نگاهی به فرامین حضرت در

نهج البلاغه، ملاحظه می‌شود که همگی آنها بدون توجه به ملیت، نژاد و صنف و... مردم صادر شده‌اند؛ به عنوان مثال، مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال، که در این مورد می‌توان به فزون‌خواهی طلحه و زبیر از بیت‌المال اشاره کرد (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ص ۱۷۳) در نگرش و رأی مولا علی(ع) تعریف عدالت، صرفاً در دایره رفتار و عمل انسان محصور نبوده و بنیادهای اصلی آن به اندیشه و تعقل آدمی مربوط است. سیاق کلام مولا علی(ع) نشان می‌دهد که عدالت، فقط وقتی ارزشمند و واجد استحکام است که به عنوان رویکردی مقطعی و عارضی، در رفتار انسان، ظهور و بروز نکند بلکه به ملکه‌ای نفسانی و صفتی راسخ، در نگرش و رفتار انسان، تبدیل شود. (قزوینی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۲).

«حق» از منظر امام علی (ع) ادای حقوق دیگران از اهمیت خاصی برخوردار است و در تمام شئون اجتماعی مسلمانان نمود و جایگاه ویژه دارد. حضرت علی(ع) از جمله شخصیت‌هایی است که به این موضوع به شایستگی اهمیت داده و رویکرد خاصی نسبت به حقوق مختلف داشت. علمای اسلام اعتقاد دارند که هیچ مسأله‌ای بعد از توحید به اهمیت حق و عدل نمی‌رسد؛ همانطور که مسئله توحید در تمام اعتقادات دینی و اخلاقی مسلمانان ریشه دارد. (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۴۷)

حقوق شهروندی در تلمود

انسان برای آن خلق نشده است که خود تنها زندگی کند، بلکه مقصود از آفرینش او آن است که عضوی مفید از جامعه بشری باشد. او واحدی در پیکر بشریت است، و این حقیقت وظایف بسیاری را برای او در قبال روابط با دیگران ایجاد می‌کند. زندگی او تنها از آن او نیست تا آن را به دلخواه بگذرانند، رفتار و کردار او در زندگی مردم اثر می‌گذارد، همان‌گونه که رفتار ایشان بر زندگی او مؤثر است. (کهن، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳) گرانباترین گنجی که انسان می‌تواند برای خود به دست آورد، همانا جلب توجه و علاقه و احترام دیگران است (میشناآووت، ۲:۱) تلمود این اصل کلی را برای رفتار انسان ارائه می‌دهد: «در مقابل بزرگتر از خودت مطیع و نسبت به جوانان حلیم و مهربان باش، و همه اشخاص را با خشنودی و خوشرویی بپذیر» (میشناآووت، ۳:۱۶). انسان موظف است زحمت بکشد و کار کند، نه تنها برای کسب معیشت، بلکه برای آنکه سهم خود را در حفظ نظام جامعه و بهبود وضع آن ادا کرده باشد. (کهن، ۱۳۹۰، ص ۲۱۰)

- حق حیات

حقوق بشر، مانند حق حیات آن‌گونه که در تعلیم تلمودی تفسیر شده، تنها به معنای ایجاد امنیت برای حیات و جان و مال نیست، بلکه همچنین به معنای فراهم ساختن حفاظتی در مقابل تهدید حیات و جان و مال نیز هست. حتی تهدید هم‌نوع بدون این که واقعاً جنبه عملی به خود گیرد نوعی بی‌حرمتی و رذالت شناخته می‌شود. «کسی که دستش را علیه هم‌نوع خود بلند کند، حتی اگر به او سیلی زند، انسانی شریر نامیده می‌شود». (اپستاین، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵)

- حق مالکیت

مرتبط با حق حیات برای انسان، حق تملک اشیا و اموالی است که با آنها زندگی می‌کند. این حق مالکیت در تعلیم تلمود همان اندازه که دزدی واقعی را ممنوع می‌شمرد، هر نوع تجاوز و تعدی به اموال و وسایل امرار معاش هم‌نوع را منع می‌کند، نظیر محروم ساختن مستقیم او از مشتری یا رقابت جویی در حرفه یا شغل او از طریق ابزارهای غیرمنصفانه. (همان، ص ۱۷۶) از جمله اقدامات حمایت‌آمیز در زمینه حق مالکیت که در کتاب مقدس به آنها اشاره شده است منع «ظلم به یکدیگر» در معاملات تجاری است (لاویان ۲۵، ۱۴ و ۱۷) این منع، از هر نوع فریبکاری، حقه‌های تجاری، یا ارائه تصویری غلط در داد و ستدهای بازرگانی جلوگیری می‌کند. به همین دلیل، دقیق‌ترین رفتار شرافتمندانه از خریدار و فروشنده درخواست می‌شود. (اپستاین، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶)

آنچه در مورد معاملات تجاری صادق است به همان‌سان در مورد تکالیف کارکنان نسبت به کار و حرفه آنان نیز صدق می‌کند. کارگری که یا به واسطه کم‌کاری یا برای کاهش عمدی تولید یا محصول یا با وقت‌شناسی، وظیفه خود را انجام نمی‌دهد حق مالکیت کارفرما را نقض می‌کند و علیه هم‌نوع و خدای خود مرتکب گناه می‌شود. حق مالکیت همچنین شامل حق کارگر نسبت به درآمدهای خود می‌شود. این امر حق کارفرما را برای اجیرکردن کارگران به سود منافع خود رد می‌کند. در قانون تلمودی دستمزدها باید به گونه‌ای تعیین شود که از سطوح مطلوب زندگی کارگران حمایت کند و هر اقدامی برای کاستن از سطح مطلوب زندگی کارگر سرپیچی از قوانین یهود شناخته می‌شود. (همان، ص ۱۷۷)

- حقوق فرد

حقوق فرد از کرامت و حیثیت انسان محافظت می‌کند. منع افترا در کتاب مقدس به نزد حکما به گونه‌ای تفسیر می‌شود که شامل یهودیان و غیریهودیان گردد. توهین و افترا شامل آن چیزی است که تلمود آن را «ذلت توهین» توصیف می‌کند که عده اندکی می‌توانند از آن اجتناب کنند و دربرگیرنده هر نوع سخن یا اشاره دور از انصاف دربارهٔ هم‌نوعان ماست. (همان) حقوق فرد همچنین توهین و تعدی به عزت نفس اشخاص را منع می‌کند. توهین و بی‌حرمتی به هم‌نوع در ملاعام در اخلاقیات تلمودی مانند ریختن خون دیگران شناخته می‌شود، «سرخ‌پوشی چهره ناپدید می‌شود و زردی و رنگ پریدگی جای آن را می‌گیرد». (همان)

تلمود در تعلق خاطرش به حقوق فرد، با زحمت فراوان کوشیده است توضیح دهد که چه نوع اعمالی بی‌حرمتی علیه حقوق اساسی انسان است. برای مثال، دادن نشانی به کسی بدون اطمینان از این که آن نشانی، درست است عملی گناه‌آلود شناخته می‌شود. (همان) احترام به شخصیت انسان همچنین مانع گفتار دروغ می‌شود، قطع نظر از این که به چه کسی خطاب شود: «دزدی نکنید، دروغ نگویند و کسی را فریب ندهید» (لاویان ۱۹، ۱۱)

همچنین، احترام به شخصیت انسان مانع تنفر می‌شود. این دستور کتاب مقدس (لاویان ۱۹، ۱۷) آن گونه که آموزگاران تلمود آن را می‌فهمند، دارای معنایی جهانشمول است. «هرکس از انسانی نفرت داشته باشد از کسی که سخن گفت و جهان را به وجود آورد نفرت دارد». (اپستاین، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸) دستور منع نفرت از دیگران در کتاب مقدس همراه با منع انتقام‌گیری یا کینه‌ورزی آمده است. (لاویان ۱۹: ۱۸) این دستور دیگری در کتاب مقدس است که با حقوق اشخاص ارتباط دارد و در تعلیم تلمود دارای معنایی جهانشمول است. (اپستاین، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹)

- حق آزادی

حقوق فرد همچنین بر حریت و آزادی بشری صحه می‌گذارد. آزادی حقی واگذارنشده‌ای است که نباید تحت هیچ شرایطی بر سر آن معامله کرد. این اصل کلی در شماری از مقررات در قوانین تلمود بیان می‌گردد، نظیر حق کارگر برای فسخ قرارداد قبل از تمام کردن کار خود، به شرط اینکه بتوان کسی را به جای او پیدا کرد و انصراف او موجب هیچ نوع زیان مالی به کارفرما نگردد. (همان) حق آزادی انسان رابطه‌ای تنگاتنگ با حق برابری انسان‌ها دارد. در کتاب ایوب از حق برابری کامل انسان‌ها، حتی بردگان، حمایت می‌شود. (ایوب ۳۱، ۱۳-۱۴)

نتیجه

از مجموع آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان به این نتیجه رسید که:

حقوق شهروندی به مجموعه امتیازات و توانمندی‌هایی گفته می‌شود که برای شهروندان یک جامعه بخاطر زندگی در یک اجتماع معین برقرار می‌شود. این حقوق ثابت و محفوظ بوده و آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌ها است و وظیفه تأمین آن بر عهده مدیران شهری، دولت یا بطور کلی، قوای حاکم می‌باشد و حکومت ایجاد کننده حقوق نیست.

هم در نهج الیلاغه که دومین کتاب معتبر در بین مسلمانان و برترین تفسیر از تعالیم والای قرآنی و وحیانی است و هم در تلمود که کتابی بسیار بزرگ حاوی احادیث و احکام یهود است، به حقوق شهروندی اشاره و تصریح شده است و این بیانگر یگانگی دیدگاه این دو دین و این دو کتاب، درباره حقوق اساسی زندگی و حقوق شهروندی است.

برخورداری همه انسان‌ها از آزادی و مسئول بودن آنها در مقابل دیگر اعضای جامعه، برخورداری یکسان از امکانات و نعمت‌های زندگی و لزوم رعایت عدالت در بین آنها، تکریم انسان به عنوان آفریده خدا و فراهم‌سازی زمینه لازم برای سعادت وی و احترام به او، از جمله مفاهیم عمده حقوق شهروندی است در هر دو کتاب نهج الیلاغه و تلمود به انحاء و عناوین مختلف بیان گردیده است.

منابع

- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی
- کتاب مقدس انتشارات ایلام
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، بی تا، شرح نهج البلاغه، گردآورنده محمد بن حسین شریف الرضی، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- اپستاین، ایزیدور، ۱۳۸۵، یهودیت: بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- احمدی، علی اصغر، ۱۳۹۱، عدالت اجتماعی در نهج البلاغه (ابعاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی)، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- اشتاین سالتز، آدین، ۱۳۸۳، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
- آفنداک، خلیل، ۱۳۸۵، حقوق شهروندی و قضایی، مجموعه مقالات حقوق شهروندی.
- پروین، فرهاد، ۱۳۸۷، حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۷۲.
- رسولی محلاتی، سید هاشم، ۱۳۹۲، غرالحکم و دررالکلم آمدی (ره)، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- رضایی پور، آرزو، ۱۳۸۹، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آریان.
- شهرستانی، سید هبه‌الدین، ۱۳۵۹، در پیرامون نهج البلاغه، ترجمه سید عباس میرزاده اهری، بی جا: بنیاد نهج البلاغه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۰۸۵، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضویه.
- عربی فر، مهدیه، ۱۳۹۱، مفهوم و حقوق شهروندی در نهج البلاغه، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- قزوینی، عبدالکریم ابن محمدیحیی، ۱۳۷۱، بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرمؤمنان(ع)، به کوشش رسول جعفریان، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- کهن، آبراهام، ۱۳۹۰، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران: اساطیر.
- لامعی، صمد، ۱۳۹۳، جزوه حقوق شهروندی، مرکز آموزش علمی- کاربردی سازمان زندان‌ها
- محسنی کبیر، مرتضی، ۱۳۷۴، با نهج البلاغه آشنا شویم، بی جا: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه؛ مطابق مذهب اهل بیت، قم، موسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.